

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ

وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ اللَّعْنَةَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

وَ مَا أَنَا يَا رَبِّ وَ مَا خَطِرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ؛ ای پروردگار من، من کجا و موقعیت و جایگاهم در نزد تو کجا، حال که چنین است به فضل خودت بر من ببخش، نه با عدل و حسابرسی، و به عفو خودت با من رفتار کن و تصدق نما.

قبل از پرداختن به مطالب گذشته یک مطلبی را خدمت رفقا عرض می‌کنم گرچه در سال‌های قبل به واسطه یک همچین قضایایی که پیدا شده بود بنده عرض می‌کردم؛ آن مسأله بودن روز پنجشنبه به عنوان اول ماه رمضان یا نبودن آن است! مطلبی را که باید خدمت دوستان عرض کنم این است که هلال ماه ثبوتش از نظر شرعی به دیدن با چشم ظاهر است، بدون دخالت آلات و ادوات دیگر، از قبیل دیدن با تلسکوپ‌ها یا دوربین‌های بسیار قوی و همین‌طور رفتن در ارتفاعات بسیار زیاد که از افق هلال بالاتر است مانند سوار شدن به هواپیما و به بالا رفتن در حدی که از سطح افق این هواپیما ارتفاع بیشتری پیدا می‌کند و بدین وسیله [هلال ماه] قابل رویت می‌شود. آنچه را که شارع مدنظر قرار داده است در ثبوت اول ماه عبارت است از دیدن با چشم ظاهر. چنانکه فرموده است: «صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ، وَ أَفْطَرُوا لِرُؤْيَيْهِ!» با دیدن ماه روزه بگیرید و با دیدن ماه افطار کنید. «قطعاً در آن زمان عرف، ملاک را در پیدایش ماه و خروج از ماه و خروج از شهر، چشم ظاهر می‌دانست، آنها که رصد نداشتند، وسایل و آدات مکانیکی نداشتند، آن زمان که تلسکوپ و اینها اختراع نشده بود، دوربین نبود، آن زمان هواپیما نبود، رفتن به بالای ابرها نبود.

همین ملاک دیدن ظاهر، این ملاک برای داخل شدن در شهر و در ماه مورد توجه بوده و بر همین سیره هم شارع و پیامبر ماه‌های خود را قرار می‌دادند. یکی از چیزهایی که مستحب است استهلال است، انسان در ابتدای ماه استهلال کند و برود و ماه را ببیند، و جهتش هم این است که بر ورود ماه از نقطه نظر عبادی، احکامی تعلق می‌گیرد و باید انسان بداند که این عبادت را به چه کیفیتی انجام بدهد و به چه صورتی انجام بدهد.

۱- ولایت فقیه، ج ۳، ص ۷۷ و رساله نون، ص ۸۲: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ که فرمود: صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ، وَ أَفْطَرُوا لِرُؤْيَيْهِ!

عبادت این طور نیست که بخواهد این طرف و آن طرف بشود، یک روز انسان زودتر انجام بدهد، یا یک روز دیرتر انجام بدهد، بدون توجه به این مسأله بخواهد [عبادت] بکند. وقت عبادت مشخص است، دهم ذی الحجه عید قربان است، نه یازدهم ذی الحجه درست است نه نهم ذی الحجه. عید قربان برای روز مخصوص است، با اعتبار ما این طرف و آن طرف نمی شود، روز عرفه یک روز خاص است، این مطلبی که امشب دارم خدمت رفقا می گویم خیلی مهم و دقیق است و عمداً گفتم که خب همه متوجه این قضیه بشوند حالا آن کسانی که به این مسأله توجه ندارند و با دیدن تلسکوپ و اینها [مسئله را] کافی می دانند اگر متوجه این قضیه نیستند به این مسأله توجه کنند.

روز عرفه برای خصوص نهم ذی الحجه است، آثاری که بر روز عرفه مترتب است برای خود نهم است نه روز هشتم یک همچنین آثاری هست و نه روز دهم و یازدهم، که ما این همه تاکید در روایات داریم، در آثار داریم، کسی که روز عرفه این کار را بکند، روزه بگیرد و دعا بخواند، چکار بکند، خداوند همه گناهان او را آن چنان می آمرزد که انگار از مادر متولد شده، اینها مال خصوص روز عرفه است که روز نهم است. یا اینکه فرض بکنید که عید غدیر عیدی است که مربوط به هجدهم ذی الحجه است، در این رساله نوروز که بنده نوشتم این مطالب را یک مقداری در آنجا اگر رفقا مطالعه کرده باشند آنجا توضیح دادم که آثار تکوینی را خداوند بر این ایام بار کرده به نحوی که این آثار با این طرف و آن طرف رفتن از بین خواهد رفت، با اعتبار ما این آثار درست نمی شود، این یک آثار تکوینی است.

و همین طور راجع به عید فطر عیدی است که مخصوص به آخر رمضان است و این طرف و آن طرف نمی شود، یعنی خصوصیات آن روز، برکاتی که در آن روز می آید، فیوضات و عنایاتی که از جانب خداوند در آن روز نازل می شود و انسان احساس می کند که امروز روز روزه نیست، این را احساس می کند، امروز روز جشن، امروز روز عید است، امروز روز سرور است، این را انسان احساس می کند. بعضی از بزرگان، سابق وقتی که گاهی [شک ایجاد] می شد اصلاً شاید نیازی به این طرف و آن طرف سؤال کردن نداشتند و می فرمودند: امروز بوی روز عید می آید، خب این مشخص است که حال و هوا در امروز با روز روزه فرق می کند، یعنی نزول برکات، کیفیت فیض الهی، نزول ملائکه و آوردن آن عنایات خاص الهی... چون روز عید برکاتش با روزهای دیگر تفاوت می کند، شهادت امام با تولد امام علیه السلام فرق می کند، آن یک خصوصیات دارد این یک خصوصیات، اینها همه مثل هم نیستند. روز عاشورا با روز عید غدیر دو تاست، دو جور عنایت است، دو جور فیض است، دو جور برکت است، که هر کدام از اینها خب برای انسان لازم است؛ بر این اساس روز اول ماه برای مردم باید مشخص بشود تا مسائل خودشان را بر آن مترتب کنند. روز اول ماه رمضان باید برای افراد مشخص شود که چه روزی است، آیا امروز است یا فرداست؟ چرا؟

چون ما در ماه رمضان روزهای خاصی داریم یکی از آن روزهای مهم و شب‌های مهم شب بیست و سوم است. شب بیست و سوم، شب قدر است یعنی شبی است که ملائکه نازل می‌شوند و تقدیر سال آینده را در آن شب رقم می‌زنند، لذا داریم در آن شب باید این اعمال را انجام داد، این مراقبه را باید کرد. این طور کشک نیست که بگوییم: آقا امشب را شب قدر قرار می‌دهیم! خب این دست ما نیست که آقا امشب شب قدر است، یا اصلاً آقا ما هفته دیگر را شب قدر قرار می‌دهیم!

یادم هست در زمان سابق، در آن زمان سلطنت گذشته یکی از این نماینده‌های مجلس بود، مجلس آن موقع گفته بود که - من در خاطر من نیست حالا اسمش نمی‌دانم چیست - کارکنان دولت اینها برای اداء مناسک حج‌شان می‌توانند از تعطیلات تابستان استفاده کنند که هم تعطیلات است و هم می‌توانند مکه‌شان را بروند! خب عموجان تعطیلات تابستان مال تعطیلات تابستان است، مال گردش و جاهایی است که خودتان تشریف می‌برید، ولی موقع مکه به تابستان ربطی ندارد، این مال ذی‌الحجه است، یعنی این قدر این نمی‌فهمید که عبادات وقت خاص دارد و در وقت خاص باید آن انجام بشود و الا خب فایده ندارد. در ماه مبارک، شب بیست و سوم شب قدر است، شب قدر یک شب است، منتهی یک شبی است که در طولش کره زمین می‌گردد، کره زمین که همه‌اش یک جا شب نیست، هر دقیقه‌ای از دقائق بیست و چهار ساعت در یک جا غروب است و در یک جا صبح است، چون این در حال گردش است دیگر، یک شبانه روزی که بر زمین می‌گردد آن می‌شود شب قدر. حالا آن چه شبی است؟ شب چندم است؟ شب بیست و سوم است؛ حالا با توجه به قرائن و شواهدی که بر این مسأله دلالت دارد.

خب حالا ما می‌توانیم بجای شب بیست و سوم بگوییم آقا شب پانزدهم را شب قدر قرار می‌دهیم؟! دست ما نیست، شب قدر دست ما نیست، شب قدر دست خداست، خدا هم این را در یک همچنین شبی قرار داده، بیست و دو شب که از ماه رمضان گذشت در شب بیست و سوم می‌شود شب قدر، و این خصوصیات را دارد و این مسائل را دارد. حالا صحبت ما این است که در زمان رسول خدا اول ماه چه موقع بود؟ آیا اول ماه اول ماهی بود که با چشم عادی می‌دیدند یا با تلسکوپ و هواپیما می‌دیدند؟ آن موقع که طیاره نبود، آن موقع که تلسکوپ نبود، آن موقع که این دوربین‌های یک متری و دو متری نبود! با همین چشم، همین چشم ظاهر منتهی چشم عادی نه اینکه حالا چشم ضعیف و [معیوب] با همین چشم عادی می‌گفتند: که بروید بالای بلندی، بالای کوهی، بالای ارتفاعی، در آنجایی غیومی^۱ نباشد، که هوا صاف باشد، مانعی نباشد، افق را نگاه کنید وقتی که هلال در این چند درجه، هفت هشت درجه از افق بالا آمد در آنجا قابل رویت است، البته این هم بود که در بعضی از موارد حتی با وجود بالا و ارتفاع داشتن

۱- جمع غیم است بمعنای ابر. لغت‌نامه دهخدا

هلال ممکن بود که دیده نشود. خب در اینجا می‌گفتند که از اطراف هم ببینند [و بگویند هلال را رویت کرده‌اند] کفایت می‌کند، لذا در آن موقع معمولاً ماه را در همین شب اول می‌دیدند، در همان زمان‌های به اصطلاح گذشته.

و بعد اگر هم شک می‌کردند دو شب را به عنوان شب إحياء می‌گرفتند. ما یادمان هست که در همان زمان سابق وقتی شک می‌شد بین اینکه امروز هست یا نیست، هر دو شب را می‌گرفتند که به فیض شب قدر برسند. حتی یک سال ما یادمان هست که وقتی شک داشتیم، مرحوم آقا رضوان الله علیه شش شب به مسجد برای شب قدر رفتند، شب نوزدهم دو بار و شب بیستم و یکم و بیست و سوم هم هر کدام دوبار تا اینکه به اصطلاح شب قدر را درک بکنند. چون یا این است یا آن است دیگر، نمی‌شود بگوییم: آقا ما امشب این را قرار دادیم و... روی این جهت ماهی که در زمان رسول خدا و در زمان ائمه علیهم السلام رویش اعتبار بود ماهی بود که با این دو چشم می‌دیدند، نه با تلسکوپ، تلسکوپ می‌دیدند که در آن موقع نبود، پس با چی می‌دیدند؟ با همین چشم می‌دیدند و بر این چشم تکیه می‌کردند و روی این چشم حساب باز می‌کردند، نوزدهم می‌گرفتند، بیست و یکم می‌گرفتند و بیست و سوم می‌گرفتند، با همین چشم روز عید فطر می‌گرفتند و با همین چشم روز عرفه می‌گرفتند و روز عید قربان می‌گرفتند و ایامشان را بر این مترتب می‌کردند، توجه کردید؟ با همین چشم ظاهر.

حالا صحبت در این است اگر در زمان رسول خدا پیغمبر اول ماه را براساس چشم می‌گرفت، ما به چه حکم شرعی الآن آن را با تلسکوپ قبول می‌کنیم و تعیین می‌کنیم؟ روی چه حسابی؟ در زمان ائمه که تلسکوپ نبود، در زمان پیغمبر که تلسکوپ نبود، با همین چشم ظاهر می‌رفتند و ماه را می‌دیدند، خیلی خُب، پس ما باید این را بگوییم: اگر در زمان رسول خدا تلسکوپ بود یک روز ماه رمضان رسول خدا تغییر می‌کرد! درست است یا نه؟! و پیغمبر با وجود اینکه اطلاع داشت امروز روز اول ماه است فردا را روز اول ماه می‌گرفت! می‌شود همچین حرفی بزنیم؟ متوجه شدید چه می‌خواهم بگویم؟ الآن تلسکوپ اختراع شده، در زمان پیغمبر و ائمه که تلسکوپ نبوده، هواپیما نبوده، چه جوری برایشان ماه ثابت می‌شد؟ با همین چشم ثابت می‌شد، با همین چشم روز اول ماه را می‌گرفتند، با همین چشم شب بیست و سوم ماه رمضان را شب قدر قرار می‌دهند. آیا پیغمبر می‌دانست امروز روز اول ماه است یا نمی‌دانست؟ اگر بگوییم نمی‌دانست پس پیغمبر جاهل بود، اگر می‌دانست پس همان روزی که مال پیغمبر است همین روز هم مال ماست. آسمان که تغییر نکرده، زمین که تغییر نکرده، متوجه شدید ما چه اشتباهی داریم مرتکب می‌شویم؟!

همان روزی که مال پیغمبر و ائمه بوده، چون اینها به عنوان سند هستند دیگر، اینها هستند، آن

روزی که پیغمبر آن روز را روز اول ماه قرار می‌دهد با چه قرار می‌داد؟ با دیدن این چشم قرار می‌داد، نه با تلسکوپ، نه با بالا رفتن بالای ابرها و با طیاره دیدن که آن اصلاً یک جور دیگر است. با دیدن ظاهر پیغمبر می‌گفت ماه‌تان را شروع کنید، با دیدن چشم پیغمبر می‌گفت ماه‌تان را تمام کنید، با دیدن این چشم پیغمبر می‌گفت روز عید قربان بگیرید، با همین چشم پیغمبر می‌گفت، چون آن موقع که تلسکوپ نبود. خیلی خوب، اگر ما بگوییم که در واقع آن روز واقعی یک روز قبل بوده، پیغمبر یک روز بعد اعلام کرد، چون اگر در آن موقع تلسکوپ بود پیغمبر می‌گفت روز قبلش روز اول ماه است، پس پیغمبر با علم به اینکه امروز روز دوم ماه است به مردم می‌گوید امروز را روز اول بگیرید! این درست است؟! این غلط است. نه مردم شما نمی‌بینید، هنوز تلسکوپ اختراع نشده، هزار سال دیگر اختراع می‌شود آن موقع یک روز می‌آید جلوتر! این حرف خنده‌دار نیست؟ خیال می‌کنم خیلی خنده‌دار باشد و ...

من یک وقت در یکی از فتاوای یکی از آقایان خواندم که الآن فوت کرده و به رحمت خدا رفته، وقتی دلیل می‌آورد در [استدلالش] خوانده بودم می‌گفت: منظور رویت است، حالا چه رویت با چشم عادی چه رویت با چشم تلسکوپ هر دو رویت است! خیلی برایم جالب بود که عجب، اگر قرار رویت به هر کیفیت هست، بسیار خوب، پس بنابراین بنده سوار هواپیما می‌شوم اصلاً دو روز قبلش، می‌روم این قدر ارتفاع پیدا می‌کنم که روز بیست و هشتم را می‌گویم روز اول ماه است، این هم رویت است دیگر! مگر رویت نیست؟ اینقدر می‌روم بالا اصلاً یک روز قبل ... شما مگر نماز مغرب و عشا را نمی‌خوانید، دارید نماز مغرب را می‌خوانید می‌بینید هواپیما دارد در آسمان راه می‌رود خورشید به آن تابیده، نمی‌بینید؟ وقتی که دارید نماز مغرب را می‌خوانید می‌بینید هواپیما در بالا به آن خورشید تابیده، یعنی این قدر این ارتفاع گرفته که از آن مقدار خروج خورشید از تحت افق و ورودش هم بالاتر رفته در زاویه سطوح نور خورشید واقع شده در حالی که شما نماز مغرب را خوانده‌اید و فرضاً نافله‌هایش را هم خوانده‌اید و یک ربع هم گذشته ولی در عین حال هنوز شما [نور خورشید را] می‌بینید.

پس بنابراین قطعاً امروز نباید روز اول ماه باشد دیگر، این که قطعی است، حالا شما با هواپیما می‌روید بالا ماه را می‌بینید، تکلیف چیست؟ باید برای روزه‌ات بگویند ماه جدید آمده! این هم دیدن است دیگر! دیدن دیدن است! پس دیدن به هر کیفیت نیست عزیز من، دیدنی است که در شرایطی باشد که در آن شرایط [هلال] قابل رویت برای چشم باشد، یعنی ماه در حدی از افق بالا آمده باشد که از تحت الشعاع خارج بشود، یعنی آن مقدار ارتفاعی که نور خورشید به واسطه غلبه [مانع رویت نباشد] - می‌گویند آن قاهره نور شمس - آن نور خورشید که در حال غروب هست مانع از رویت هلال برای چشم عادی نشود، آن موقع این می‌شود رویت.

بنابراین اگر ما آمدیم از تلسکوپ یا دوربین‌های بسیار قوی، یک وقت دوربین دوربین عادی است نه آن اشکال ندارد، مثلاً دوربینی که در همین حدی که غبار را کنار بزند، غبار را کنار بزند، نه آن تلسکوپ که بر نور شمس غلبه بکند، که اتفاق افتاده در همین قضیه، تلسکوپ آدم بزند که آنچنان قوی باشد که بیاید و تصویر را نزدیک کند، نزدیک کند که انسان اصلاً حتی با وجود هلال در تحت الشعاع که نور خورشید مانع است شما هلال را ببینید، این دیدن اصلاً قبول نیست، این فایده ندارد، این روز قبل حساب می‌شود، روز بعد حساب نمی‌شود.

پس بنابراین این که ما بگوییم دیدن در اینجا صدق کرد به صرف دیدن، حالا به هر کیفیت، اولاً به هر کیفیت غلط است، چون انسان بعضی از موارد است که می‌بیند ولی قطعاً غلط است، باید دیدنی باشد که دیدن، دیدن عادی باشد یعنی همان‌طور که زعمای ما، پیغمبر و ائمه در زمان خودشان همان‌طور ماه را می‌دیدند و بر آن حساب به اعمالشان ترتیب اثر می‌دادند، یعنی روز اول می‌گرفتند، روز نوزدهم می‌گرفتند، روز بیست و سوم‌شان را به دیدن می‌گرفتند و همه می‌دیدند، ما هم وظیفه داریم به همین کیفیت عمل کنیم، نه اینکه حالا چون یک دستگاه‌های دیگری آمده و دستگاه‌های جدیدی آمده، انسان بخواهد تغییر بدهد. شب همان شب است، روز همان روز است، تغییری نکرده و ملاک همین است.

یک مطلبی هست و آن این‌که: بله، در بعضی از موارد ما مشاهده می‌کنیم که حکم در زمان رسول خدا و در زمان ائمه به یک کیفیت بود، و الان با وجود بعضی از اکتشافات، بعضی از دستاوردها، بعضی از فناوری‌ها و امثال ذلک تغییر می‌کند و آن جایی است که خود آن موضوع فی حد نفسه حکم خاص برایش بار نمی‌شود، چون آن موضوع در تحت شرایط خاص قرار می‌گیرد حکم آن شرایط را پیدا می‌کند و چون موضوع الان شرایطش تغییر پیدا کرده، حکمش بر طبق اختلاف شرائط، شرایط جدید پیدا می‌کند.

فرض کنید مثلاً استفاده از الکل، الکل یک شیء ای است خودش فی حد نفسه نجس است، چه در زمان رسول خدا باشد، چه در زمان ائمه یا در زمان ما، هیچ تفاوتی نمی‌کند، نجس نجس است - البته الکل که از مایع بالاصاله باشد، اصلش مایع باشد، نه اینکه آن را تخمیر کرده باشند مثل چوب و اینها، آن نه، آنکه در اصل مثل انگور و اینها باشد آن الکل الکل نجس است - بسیار خوب حالا نجس است وقتی که نجس شد خوب ما از نظر شرعی [روایت] داریم که چیز نجس قابل استفاده نیست، قابل خرید و فروش نیست و قابل [بیع و هدیه] نیست و معامله‌اش هم باطل است و مصرفش هم حرام است و سحت است. و این مسأله خوب در زمان گذشته صحیح بود در زمان پیغمبر از الکل چه استفاده‌ای می‌کردند؟ چیزی نبود. و همین‌طور بعد از اینها، تا اینکه این قضیه در زمان زکریا کشف شد. بله؟ در زمان زکریا رازی

این قضیه خاصیت الکل و اینها در آن زمان به دست آمد و استفاده‌اش برای ضد عفونی‌ها و امثال ذلک و اینها.

وقتی که اینطور شد خب فقیه در اینجا می‌آید فکر می‌کند که آقا این حکمی که رفته روی حرمت الکل، این که الکل الان حرام است این حرمت استفاده‌اش به خاطر نجاستش است یا به خاطر اینکه استفاده معقول از آن در اینجا متمشی نیست؟! خب در آن زمان نمی‌دانستند، مورد استفاده نبود و اصلاً وسایل [استریل‌شان] چیز دیگر بود، نمی‌دانم می‌گرفتند چوب را می‌سوزاندند و خاکستر را چکار می‌کردند و این وسایل ضد عفونی‌شان در آن موقع به این کیفیت بود و همین‌طور از بعضی از گیاه‌ها برای ضد عفونی استفاده می‌کردند که الآن هم هست، الآن هم همین [روستائیان] دارند، در این کوه‌ها از این گیاه‌هایی که خاصیت آنتی بیوتیکی و اینها دارد وجود دارد و روی زخم و اینها می‌ریزند، از جمله چیزهایی که خاصیت آنتی بیوتیکی دارد خود عسل است، عسل طبیعی یکی از چیزهایی است که خاصیت آنتی بیوتیکی دارد و اگر زخمی پیدا بشود حتی می‌گویند آن قدر خاصیتش قوی است که بهبودی‌اش حتی از وسایل و داروهای شیمیایی امروزی قوی‌تر است و تجربه هم شده است.

اما نسبت به الکل کسی به این قضیه نرسیده بود که این مسأله این‌طور باشد، خب حالا فقیه وقتی که نگاه می‌کند و می‌بیند که الآن در شرع استفاده از نجس حرام است خب متوجه می‌شود چون استفاده مفید ندارد، اگر همین استفاده مفید داشته باشد چرا استفاده‌اش اشکال داشته باشد؟ مگر حتماً شخص باید الکل را بخورد؟ نه، الکل را مصرف می‌کند، ضد عفونی می‌کند. الآن این اتاق‌های عمل که استریل و اینها می‌کنند می‌گویند حتماً باید با الکل آن هم الکل انگور [استریل بشوند]. یکی از دوستانمان دکتر سجادی می‌گفت اتاق عملی که من در آن چشم عمل می‌کنم فقط باید با الکل انگور باشد، با غیر از این را من اصلاً قبول ندارم و تایید نمی‌کنم. خب الان این چه اشکالی دارد که استفاده از این الکل مانعی داشته باشد؟ خب نه هیچ مانعی ندارد و خرید و فروشش هم جایز است و هیچ ثمن و پولش هم حرام نیست، مثل نان و خربزه می‌ماند تفاوت نمی‌کند. بله، خوردنش حرام است و در تماس با آن هم انسان بایستی که دستش را آب بکشد و تطهیر بکند. خب اینها به جای خود، اما اینکه بگوییم نباید اصلاً استفاده شود، و معامله آن اشکال دارد، این از مسائلی است که این دیگر منطق ندارد و این شرعیت ندارد.

ولی بعضی چیزها هست که - این مطلب، مطلب دقیقی است، این را هم می‌خواستم خدمتتان در راستای قبله و خورشید و اینها عرض کنم - شارع که آن حکم را بیان کرده بر اساس اقتضائات آن موقع است، الآن ما می‌بینیم این اقتضائات وقتی که تغییر می‌کند آن حکم شارع بدون اینکه تغییر پیدا بکند صورت جدیدی به خود می‌گیرد، مثلاً فرض کنید که راجع به قبله، راجع به قبله داریم برای کسانی که در

خود مسجد الحرام هستند یا در مکه هستند و برایشان [کعبه] قابل رویت هست، قابل إتجاه هست، قبله خود کعبه است، خود همین چهارگوش کعبه این می شود قبله، لذا کسانی که در مکه هستند نمی توانند به این طرف و آن طرف به هوای اینکه این قبله است...، مگر اینکه برایشان مانعی باشد و آن طور دقت مشکل باشد. حالا کسانی که در مسجد الحرام هستند یا خیابان های اطراف هستند، یا هتل هایی هستند، منازلی که در همان حول هست قبله می شود [همان کعبه]، و برای کسانی که دور هستند و به خصوص در شهرهای بعیده و امثال ذلک قبله می شود جهت کعبه، نه خود کعبه. چون کعبه که قابل رویت نیست، چطور ممکن است که یک چهار دیواری چهارده متر در چهارده متر را شما فرض کنید که برای ایران [ملاک] قرار بدهید این اصلاً امکانش نیست، لذا برای آنها جهت [کعبه] می شود [قبله] که به همان جهت کعبه نماز بخوانند. حالا یک مقداری این طرف و آن طرف شد این هم ایراد و اشکال ندارد.

مرحوم علامه حلی در اینجا یک مطلبی دارد که قابل تأمل است، ایشان می فرماید که: این نیست که در وهله اول، کعبه قبله برای همه باشد، بلکه ما از ابتدا دو قبله داریم، برای کسانی که در مسجد الحرام و خیابان ها و منازل نزدیک آن هستند، قبله شان می شود خود کعبه، خود نفس کعبه این قبله است و برای کسانی که دور هستند اصلاً قبله کعبه نیست، جهت کعبه قبله است یعنی همان فضا، همانی که نسبت به آن بایستند، حالا فرض بکنید که چه مصادف با کعبه بشود یا این طرف و آن طرف بشود، همینقدر به این سمت باشد این می شود قبله، خود کعبه دیگر قبله نیست، چرا؟ چون خداوند حکم عبث نمی کند که بیاید بگوید ابتدائاً این کعبه مربوط به همه است بعد بیاید بگوید که آنهایی که نمی توانند، دسترسی ندارند، که برایشان مشخص بشود [قبله] آنها جهت [کعبه باشد!] این حکم حکم عبث است، برای کسانی که دور هستند اصلاً امکان ندارد اینکه خود کعبه را قبله قرار بدهند، لذا از اول دو قبله در تشریح جعل شده و شارع این را جعل کرده: یکی خود کعبه برای افرادی که نزدیک هستند و یکی جهت کعبه برای افرادی که دور هستند!

ولی وقتی که ما مشاهده می کنیم می بینیم مطلب این طور نیست، نه، خدا از ابتدا کعبه را قبله قرار داده، متبھی با این بیان برای کسانی که نزدیک هستند خب مشخص است که خود کعبه باید باشد ولی برای افراد دور چون نمی توانند خود کعبه را قبله قرار دهند لذا جهت کعبه از خود کعبه کفایت می کند، به این نحو، نه به آن نحوی که علامه حلی فرموده.

بنابراین اگر در این زمان - البته در این زمان هم هست، یک وسائلی هست - اگر در این زمان مثلاً در قم ما یک وسیله ای داشتیم، یک دستگاهی داشتیم، فرض کنید یک فرستنده روی کعبه می گذاشتند و یک گیرنده هم که در همین جا بود دقیق یک خط را می کشید به وسط کعبه، می شود یا نمی شود؟ می شود.

آن می شود قبله ما، دیگر ما نباید به این طرف و آن طرف بخوانیم، چرا؟ چون دستگاهش آمد. این فرق می کند با مسأله اول ماه و این چیزها، این دو تاست. چون در آنجا خود کعبه موضوع برای إتجاه ما بود، ولی چون شارع می بیند دست ما کوتاه است ارفاق می کند، برای ما تسهیل می کند، برای سهولت ما می گوید: حالا چون نمی توانی، به آن إتجاه کعبه هم می توانی نماز بخوانی؛ ولی وقتی دستگاهش را داشتی خب می توانی، وقتی دستگاهش را داشتی وظیفهات این است که طبق دستگاه [عمل کنی]، اگر دستگاه را نداشتی، می توانی [به جهت کعبه نماز بخوانی]، حالا این طرف و آن طرف هم شد اشکالی ندارد. این را خواستم خدمت رفقا بگویم تا فرق را بدانند یک وقت اشتباه نشود که مواضع فرق می کند. در مسأله رویت هلال شارع رویت را براساس دیدن با چشم قرار داده است، نه براساس تلسکوپ، آن موقع که تلسکوپ نبود، آن موقع که طیاره و ماهواره نبود، آن موقع نمی دانم قمرهای مصنوعی و اینها نبودند که بردارند افق را و روز اول ماه و کل سال را نقشه اش را بدهند دست آدم. الآن نقشه شب اول [شوال، شب عید] فطر درآمده، به من هم داده اند که آقا این اول فطر [شوال] است، امشب فلان است! آن موقع که این حرفها نبود. و ما هم به اینها نباید کار داشته باشیم باید برویم خودمان ببینیم یعنی استهلال کنیم اینها ملاک نیست، اینها ملاک نیست، بخواهیم به اینها [تمسک] کنیم.

یعنی حداقل تا الآن ملاک نیست، حالا بعدها آن یک مطلب دیگر است، که انسان به این یقین برسد و از اینها خلاصه برایش اطمینان پیدا بشود این مطلب دیگری است، علی کل حال این [دستگاهها و ادواتی] که الآن هست آن موقع این حرفها نبوده، آن موقع همین مردم بودند و همین چشمشان، پیغمبر هم با همین چشم می گفت: اول ماه است، با همین چشم هم می گفت: آخر ماه است، با همین چشم هم می گفت: شب قدر این است، با همین چشم هم می گفت: روز عرفه این است، نمی دانم روز عید قربان این است، با همین چشم می گفت، خیلی خب چطور شد در این زمان یک دفعه عوض شد؟ یعنی شب قدر ما با شب قدر پیغمبر تفاوت کرد؟ یک روز می رود جلو دیگر، چون پیغمبر تلسکوپ نداشت مجبور بود شب قدر را شب مثلاً سه شنبه بگیرد من باب مثال ولی ما چون تلسکوپ داریم شب دوشنبه می گیریم؛ ا! یعنی شب قدر ما با پیغمبر دوتا شد؟ این قضیه چی می شود؟ در حالتی که شب قدر یکی است، با تلسکوپ و اختراع، ملائکه جایشان عوض نمی شود که حالا که تلسکوپ درست شد ملائکه بیچانند، خلاصه قدر را یک روز بیچانند این ورتر کنند، پس این ملائکه منتظر اختراع ما هستند، تا وقتی اختراع نشده آن شب می آیند پایین، وقتی اختراع شد یک شب زودتر می آیند!! پس منتظر اختراع ما بودند این آقایان ملائکه و جبرئیل و نمی دانم لیلۃ القدر خیر من الف شهر و تنزل الملائکة و الروح و... اینها بالاخره همه منتظر بودند که این تلسکوپ اختراع می شود یا نمی شود تکلیفشان را با خدا مشخص کنند. خدا

می‌گوید: خیلی خوب - نمی‌دانم مخترع تلسکوپ و اینها کیست؟ - هر وقت آن زنده شد و این تلسکوپ اختراع شد مسأله شما هم تغییر خواهد کرد!

این را بنده امشب گفتم تا اینکه این به گوش آقایان برسد و افراد و فضلا روی این مسأله فکر کنند و خلاصه برای این مسأله ببینند که چه باید کرد.

بنابراین طبق اخباری که تا بحال به دست ما رسیده است و تحقیقاتی که ما کردیم قطعاً در این ماه شب اول ماه که شب پنجشنبه باشد را با چشم عادی ندیده‌اند، فقط در دو سه نقطه آن هم با تلسکوپ‌های قوی و در آنجا هم حتی بعضی‌ها دیده‌اند و بعضی‌ها ندیده‌اند و این برای ما تعجب است که در یک جا یکی با همان تلسکوپ می‌بیند و یکی نمی‌بیند؛ خلاصه طبق این گزارش‌هایی که گرفته‌اند به این کیفیت است. علاوه بر این رویت ماه حتی با تلسکوپ در شعاع زیر پنج درجه بالای افق بوده که قطعاً تحت الشعاع است و این قابل رویت نیست.

بنابراین تا وقتی که اخبار دیگری نرسد و مسأله را تغییر ندهد، برای ما روز اول ماه روز جمعه خواهد بود، این را خواستم خدمت رفقا عرض کنم.

اللهم صلی علی محمد و آل محمد